

زن و سیاست گرایش ها و نگارش ها

نویسندگان: مهدی مهریزی

منبع: حکومت اسلام، سال ۱۳۷۶، شماره ۴

مسئله مشارکت سیاسی زنان، در کتاب های فقهی شیعه و اهل سنت کم تر مطرح و مورد گفت و گو بوده است. در متون فقهی شیعه در کتاب القضاء ۱ و نیز در مسئله اجتهاد و تقلید ۲ ضمن بحث از شرایط قاضی و مجتهد، اشارتی بدان می رفته است. در متون اهل سنت نیز در کتاب القضاء ۳ و نیز کتاب الامامه والاماره ۴ ضمن مباحث قضاوت و حکومت به اختصار از آن سخن رفته است. به جز این دسته از کتاب ها، آثار دیگری نیز که در این زمینه عرضه شده باشد و با نگاه فقهی و دینی به تحلیل مسئله پرداخته باشد، کم است. گروهی را گمان بر آن است که در طرح این گونه بحث ها ضرورتی نیست، ولی از آن جا که اذهان جامعه بدان مشغول است و در محافل علمی به عنوان یک مسئله بدان نگریسته می شود، جا دارد که عالمان به تفصیل بدان بپردازند و حدود مسئله را با نگاه دینی روشن سازند. در این مقاله برآنیم نخست گرایش های موجود در باب حضور سیاسی زن را گزارش کرده و ادله هر یک را به اجمال برشماریم، پس از آن نگارش های ویژه این موضوع را به اجمال معرفی کنیم.

یک: زن و سیاست، گرایش ها

در ابتدا باید تعریفی روشن از موضوع ارائه گردد و دانسته شود که کدام مشارکت سیاسی مورد منع یا جواز قرار گرفته است. به نظر می رسد بتوان مشارکت سیاسی زنان را در چهار حوزه تحدید نمود:

- حضور در تصمیم گیری های اجتماعی و سیاسی از قبیل: مجلس شورا و شوراهای دیگر؛ - ۱ تصدی منصب های مدیریتی چون وزارت، ریاست دولت و...

- شرکت در انتخابات و برگزیدن افراد برای دابخش فوق؛ - حضور در تشکل ها و احزاب سیاسی و...

حال سخن در این است که حکم دینی مشارکت سیاسی زنان در این عرصه ها چیست؟ و در میان اندیشمندان مسلمان چند نظریه ۱ گرایش موجود است؟

می توان در یک نگاه کلی دیدگاه ها و گرایش ها را در سه رای خلاصه کرد، گرچه هر کدام در درون خود می تواند تفصیلی را جای دهد.

الف - منع مطلق

یک دیدگاه این است که زن با توجه به ویژگی های روانی، فیزیکی و روحی نباید در این عرصه ها شرکت جوید. خداوند عالم از زن چیز دیگر خواسته است و کمالش را نیز باید در جای دیگر بجوید اینان براین باورند که:

سلامت و سعادت زن در این است که یا حامله باشد و یا بچه در زیر پستان خود داشته باشد. ۶

در مجلس دوم (۱۳۲۹ ق) وقتی مسئله حق انتخاب زن در مجلس مطرح شد، برخی از شخصیت های سیاسی، خطابه ای تند ایراد کرده و گفتند چرا کمیسیون گفته: زنان حق انتخاب ندارند، این بدان ماند که گفته شود دیوانه ها حق انتخاب ندارند، علت آن است که عنوان زنان چنین استعدادی ندارد. ۷

برخی نویسندگان عرب در پاسخ این پرسش: هل للمراه حقوق سیاسیه؟ آیا زن دارای حقوق سیاسی است؟ نوشته اند: لیس فی استطاعه المراه ان تصبح رجلا وقد قسمت الطبیعه المخلوقات الی ذکر و انثی، وحددت لكل نوع مكانه فی المجتمع

واتجاهد فی الحیاه ورسالته التی یجاهد فی سبیلها ولیس من شک فی ان رساله المراه الاولی مملکتها ۱۱ المنزلیه: تربی اطفالها وتهيئ عرشها، و تنظم اسباب سعادتها وان الحمايه الجسميه للرجل لن تنتقل الى المراه مهما سعت اليها فلم تترجل في سلوكها و تطلا مالا يتفق وطبيعتها ۸ در توان زنان نیست که مرد شوند. طبیعت، موجودات را به ماده و نر تقسیم کرده و جایگاه هریک را در جامعه و زندگی مشخص کرده است. بدون شک وظیفه نخست زن، خانه‌او است: فرزندان را تربیت می کند و اسباب خوش بختی را فراهم می سازد. حمایت جسمانی مرد به زن منتقل نمی شود، هر قدر برایش تلاش کند. زن نباید درمشی و مرام، مردگونه شود و چیزی را که با طبیعت او سازگار نیست، دنبال کند.

استدلال هایی را که این گروه بدان استناد جسته و قائل به منع شده اند، را می توان این گونه دسته بندی کرد:

اول: قرآن

به چند آیه از قرآن استدلال شده که فهرست وار بیان می شود:

1- آیه قوامیت مردان بر زنان: ((الرجال قوامون على النساء، بما فضل الله بعضهم على بعض وبما انفقوا)) ۹ مردان، سرپرست زنان اند، به دلیل آن که خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و نیز به دلیل آن که از اموالشان خرج می کنند. کسانی که به این آیه استدلال کردند، دایره قوامیت را فراتر از محیط خانواده گرفته و تمامی عرصه های زندگی را مستفاد از آیه دانسته اند. ۱۰

2- آیه حلیه: ((او من ینشوا فی الحلیه وهو فی الخصام غیر مبین)) ۱۱ آیا کسی را شریک خدا می کنند که در زر و زیور پرورش یافته و هنگام مجادله بیانش غیر روشن است.

با این توضیح که زنان تمایل به زینت دارند و احساسات و عواطف در آنان غالب است، و سیاست نیازمند تعقل و تفکر است. ۱۲

3- آیه نشستن در خانه: ((وقرن فی بیوتکن ولا تبرجن تبرج الجاهلیه الاولی)) ۱۳ و در خانه هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت های خود را آشکار مکنید. چنین استدلال می کنند که مشارکت سیاسی زن با در خانه نشستن وی مغایرت دارد، و در این آیه زنان مامور شده اند که در خانه بنشینند.

دوم: روایات

به روایت های عدیده ای در این باب استدلال شده که برخی آن را تا ده ۱۴ و برخی تا هفده حدیث ۱۵ رسانده اند. این احادیث را می توان در چهار نوع فهرست کرد:

احادیث

1- منع از امارات زنان چون: ((لن یفلح قوم ولوا امرهم امراه)) ۱۶ یا ((ولا تولی المراه القضاء ولا تلی الاماره)) ۱۷ و یا حدیث ((...فعند

ذلک یكون السلطان بمشوره النساء واماره الصبیان)) ۱۸ و ((امورکم الی نساءکم فبطن الارض خیر لکم من ظهرها)) ۱۹

2- احادیث منع از مشورت زنان چون: ((ایاکم و مشاوره النساء فان فیهن الضعف والوهن والعجز)) ۲۰ و یا ((وایاک و مشاوره النساء فان رایهن الی افن)) ۲۱

3- احادیث نقص عقول زنان چون: ((فانهن ضعاف القوی والانفس والعقول)) ۲۲ و ۲۳

4- احادیث منع از اطاعت و تدبیر زنان چون: ((کل امری تدبره امراه فهو ملعون)) ۲۴

یا ((طاعه المراه ندامه)) ۲۵ و ۲۶

سوم: اجماع

گفته شده فقیهان شیعه و اهل سنت اتفاق نظر دارند که زن نمی تواند مناصب سیاسی را احراز کند. این اجماع در قضاوت نیز که شعبه ای از ریاست و ولایت می باشد، ادعا شده است. ۲۷

چهارم: سیره ادعا شده که سیره مستمره از زمان پیامبر و ائمه بر این قائم است که زنان عهده دار چنین مناصبی نبوده اند. ۲۸

پنجم: اصل عملی

شک در جواز مشارکت سیاسی زن برابر است با عدم جواز، زیرا اصل اولی آن است که کسی بر کسی ولایت نداشته باشد و دلیلی که این اصل را از میان بردارد در دست نیست، بنابراین همان اصل اولی حاکم خواهد بود. ۲۹

ششم: وجوه استحسانی

گاه گفته می شود که: از مذاق شریعت استفاده می شود که زن باید در خانه بنشیند و به کارهای بیرون از خانه نپردازد ۳۰ و گاه حجاب زن را مانعی از حضور اجتماعی و سیاسی او می دانند و این وظیفه شرعی را ناسازگار با مشارکت های سیاسی و اجتماعی می دانند. ۳۱ و گاه نیز به ناتوانی او در جسم و روان استناد می کنند. ۳۲

وابسته بودن خروج زن از منزل به اجازه و اذن شوهر نیز یکی دیگر از این وجوه است، ۳۳ چنان که تمسک به عدم صلاحیت زن برای امامت جماعت از طریق اولویت وجهی دیگر است. ۳۴ اینها وجوهی است که طرفداران منع مطلق بدان استناد جسته اند.

ب - جواز مطلق

در برابر رای سابق - که از طرفداران فراوانی برخوردار است - گروهی قائل به جواز شده و هیچ گونه منعی در مشارکت سیاسی زنان نمی بینند ۳۵. این دسته تمامی عرصه های مشارکت سیاسی را برای زن روا دانسته اند. برای اثبات این نظریه کافی است عالی ترین عرصه مشارکت که حاکمیت است تثبیت شود، زیرا به اولویت سایر عرصه ها را نیز زن می تواند حائز شود، از این رو این گروه تمام سعی شان بر آن است که بتوانند حاکمیت زن را به اثبات رسانده و دلیل مخالفان را پاسخ گویند.

در این جا ابتدا مروری بر پاسخ اینان داشته و سپس ادله شان را فهرست خواهیم کرد.

ادله قرآنی

پاسخ اینان به ادله قرآنی این است که آیه قوامیت، به قرائن ذیل آیه و تعلیل آن، مختص دایره زندگی خانوادگی است و از آن نمی توان حکمی فراتر اثبات کرد.

در تعلیل، دو امر مطرح شده است: یکی ((بما فضل الله)) و دیگری ((بمانفقوا)) و این دو با هم علت قوامیت قرار گرفته است. تعمیم آیه، خلع آیه از تعلیل و محتوای ذیل آن خواهد بود. چنان که آیه حلیه، مفاد اعتقاد جامعه جاهلی معنا کرده اند نه آن که واقعیت و هویت زن از دیدگاه الهی چنان باشد.

هم چنین آیه نشستن در خانه، ویژه زنان پیامبر است و آیه با خطاب ((یانساء النبی)) آغاز شده است. ۳۶

ادله روایی

در پاسخ به دسته اول از احادیث، چند پاسخ ایراد شده است:

1- شهید مطهری پس از آن که تصریح می کند که این حدیث را در مصادر شیعی نیافته، ۳۷ معتقد است ماهیت حکومت امروز با گذشته تفاوت دارد و نمی توان این روایات را بر حکومت های امروزی تطبیق داد.

وضع حکومت امروز با حکومت های گذشته فرق دارد. شایستگی هایی که امروز است با گذشته فرق دارد در گذشته حکومت ها استبدادی بود. همین که حکومت را به دست یک کسی می دادند، معنایش این بود که تمام مقدرات در اختیار این است. ۳۸.

هم چنین ایشان ادله منع صلاحیت را ارشادی دانسته است. ۳۹.

برخی از اندیشمندان اهل سنت نیز همین تفسیر را برای این گونه روایات برگزیده اند:

((اذا كانت المرءه والیه فی ای حکومت دیموقراطیه فلا باس بها فان الوالی لیس فی الحقیقه والیا وانما هو رکن من ارکان الشوری والوالی الحقیقی هو مجموعه ارکان الشوری ۴۰ در حکومت های دموکراسی معنی برای حاکمیت زن نیست، زیرا زن رکنی از ارکان شورا است و والی حقیقی، مجموعه ارکان شورا می باشند)).

اندیشمندانی دیگر نیز این خرده را در دلالت این حدیث روا دانسته اند. ۴۱.

2- برخی دیگر بر این باورند که این حدیث با عقل و نقل مغایر است ۴۲ با نقل مغایر است زیرا قرآن کریم قصه بلقیس و حکومت او را نقل کرده و بر آن نقدی نداشته است. و اما با عقل مغایر است، زیرا از یک سو هر جا زنان به حکومت نشسته اند خدمات ارزنده ای به بشر عرضه کرده اند، از بلقیس گرفته که طراح و سازنده سد مارب است و میوه هایی در شهرهای حکومتش بود که در جمله عالم نبود، تا دیگران.

من در باب آن چه بیهقی نقل کرده تردید نمی کردم اگر به چشم در روزگار خودمان نمی دیدم که زنانی مثل خانم گاندی، دختر نهر، هفتصد میلیون آدم را اداره کرد، و مشتی فقیر را که از گرسنگی در کنار خیابان جان می دادند، در اثر انقلاب سبز، به جایی رساند که خود صادر کننده گندم شدند. ۴۳.

و از سوی دیگر: آن اسوه زمان و مصلح بزرگ آگاه تر و والاتر از آن بود که حرفی بر زبان آورد که نیمی از کل جمعیت عالم را ناخشنود و آزرده می ساخت، در حالی که خود، اسلام را مدیون توجه این طبقه از عالمیان می دانست. ۴۴.

نسبت به ادله مشورت نیز جواب های عدیده ای داده شده است: این که در برخی از این احادیث تتمه الا من جربت بکمال عقل وجود دارد و نیز رسول خدا در صلح حدیبیه با ام سلمه مشورت کرد و نظر وی را راجح دانست، ۴۵ یا این که در احادیث مشورت با مردان نیز تعبیر مشورت با مرد عاقل آمده است و ۴۶.

در مورد روایات نقص عقل جواب های گوناگون ارائه شده، مانند این که ناظر به قضیه جهل بود ۴۷ یا این که مراد عقل عملی که سیاست نیز از آن است نیست بلکه منظور عقل نظری است. ۴۸.

احتمالات دیگری نیز در معنای این روایت ها گفته شده ۴۹، گرچه به نظر می رسد ناظر به عقل تجربی اکتسابی است و به اوضاع و احوال جوامع بشری مربوط است.

پاسخ دسته چهارم از احادیث نیز در لابه لای گفته های قبل نهفته است.

اجماع

در پاسخ گفته شده در فقه امامیه، مسئله ریاست دولت و حاکمیت مطرح نبوده تا بتوان دعوای توافق و اجماع نمود. آن چه ممکن است بر آن اجماع اقامه کرد، قضاوت است که در آن جا نیز شرط ذکوریت و رجولیت قبل از شیخ طوسی مطرح نبوده است. ۵۰.

اصل عملی

اصل عملی با اقامه دلیل قابل اجرا نیست و اینان مدعی اند ادله ای روشن بر تایید نظر خویش اقامه می کنند.

اما مذاق شریعت امری منضبط نیست و همهء عالمان دینی و فقیهان چنین استفاده ای از شریعت نداشته اند. ۵۱. چنان ۱ که حجاب زن مسلمان را مانعی برای مشارکت سیاسی وی نمی دانند. اینان معتقدند که مشارکت سیاسی و حضور اجتماعی زن آدابی دارد که یکی از آن ها حجاب است. ۵۲. استدلال هایی که بر جواز مطلق ارائه شده عبارت است از:

- 1- داستان ملکهء سبا: بلقیس که در قرآن آمده و هیچ گونه طعن و انکاری بر آن نشده، شاهدی قوی است بر این که از دیدگاه این کتاب آسمانی زن ۱- اگر لایق باشد - می تواند عهده دار منصب های بزرگ گردد. به ویژه که قرآن او را فردی اهل نظر و مشورت و نیز حق طلا معرفی کرده که وقتی نامهء سلیمان به او رسید با درایت به حل مشکل پرداخت و سپس ایمان آورد. ۵۳.
- 2- بیعت زنان: زنان در عصر رسول خدا(ص) در مقاطعی چند با ایشان بیعت کردند ۵۴ و قرآن از آن یاد کرده ۵۵ و در کتاب های سیره و تاریخ بخشی به برشمردن زنان بیعت کننده اختصاص یافته است. ۵۶. پس از رسول خدا نیز زنان با حضرت امیر(ع) بیعت کردند. ۵۷.

31 هجرت زنان: هجرت یک عمل سیاسی است نوعی مبارزهء اجتماعی با طاغوت و حکومت های ستم پیشه است. در تاریخ صدر اسلام در هجرت از مکه به حبشه زنان نیز شرکت داشتند، چنانکه در هجرت به مدینه نیز چنین بود ۵۸. قرآن نیز بر هجرت زنان مومن صحه گذارده و آن را تایید کرده است. ۵۹.

- 4- شرکت زنان در جهاد: این نیز یکی از ادلهء موافقان است ۶۰. در تاریخ جنگ های پیامبر زنان حضوری فعال داشتند.
 - 5- سیرهء بانوان بزرگ صدر اسلام چون ام سلمه، زهرا(س) زینب و برخی از همسران پیامبر(ص) گواهی است بر حضور جدی آنان در فعالیت های سیاسی و اجتماعی. ۶۱.
- برخی مدعی شده اند در تاریخ ائمه نیز زنانی بزرگ به برخی منصب ها گماشته شدند مانند حضرت زینب، حکیمه خاتون و ۶۲. در دوران پس از اسلام نیز برخی مدعی شده اند حاکمان زن وجود داشته و بر مسند شاهی نشسته اند. ۶۳.

ج - نظریهء تفصیل

گروهی زن را برای منصب حاکمیت صالح ندانسته اما تصدی و حضور وی را در دیگر مناصب و عرصه ها بدون مانع می دانند. اخوان المسلمین بر این رای تصریح کرده اند. ۶۴ در این میان بحثی است که آیا ریاست دولت هم مانند حاکمیت است و زن می تواند آن را تصدی کند یا خیر؟ اخوان المسلمین بر تشابه این دو منصب تاکید ورزیدند. ۶۵.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز همین گونه مشی شده است ۶۶، گرچه در تفسیر واژهء رجال در اصل یکصد و پانزدهم قانون اساسی بحث هایی صورت گرفته است. ۶۷.

مستند این گروه، تلفیقی از ادله گروه اول و دوم است. از این رو از تکرار آن صرف نظر می شود:

در پایان این بخش باید اشاره کرد که طرفداران مشارکت سیاسی زنان به اصولی عقیده داشته و تعدی از آن را ناروا می دانند:

- 1- وظیفهء مادری برای زنان وظیفهء اول و اهم است، و رویکرد زن به دیگر امور پس از این وظیفه است و نباید بدان آسیب رساند. البته این گروه عقیده دارند که بسیاری از زنان در برهه ای طولانی از زندگی می توانند به وظایف دیگر خود بپردازند ۶۸.
- 2- حضور سیاسی و اجتماعی زنان مشروط به آدابی است که دین معین کرده و در راس آن رعایت حریم عفاف و حجاب و محدود کردن جانب انوشت به خانه و زندگی است. عرصهء فعالیت اجتماعی و سیاسی عرصهء بروز و ظهور انوشت، نیست، بلکه آفت آن است.

البته در نزد ایشان حجاب مانع و دست و پاگیر نیست به سخن دیگر، جمع میان حجاب و این چنین فعالیت ها میسر و ممکن است. ۶۹.

در این جا این گزارش را به پایان می بریم و در انتظار تجزیه و تحلیل و تعمیق این مسئله از سوی اندیشمندان ایم.

دو: زن و سیاست، نگارش ها

در این جا معرفی اجمالی ای از کتاب ها و مقاله هایی که ویژه این موضوع است، ارائه می گردد. و در تنظیم، ترتیب الفبایی عناوین کتاب ها و مقاله ها منظور شده است. ۷۰

الف - کتاب ها

- 1- اثرالمراه سیاسی والاجتماعی فی العصر العباسی الاول، رائده حسام الدین جارالله، جامعه القاهره، ۱۹۴۶م، پایان نامه کارشناسی ارشد، عربی.
 - 2- اهلیه المراه لتولی السلطه، محمد مهدی شمس الدین، چاپ اول: موسسه المنار، قم، ۱۶۸ص، عربی.
 - 3- بیعه النساء للنبی (ص)، محمد علی قطب، چاپ اول: مطبعه خالد بن ولید، دمشق، ۱۴۰۶ق - ۱۹۸۶م، ۱۱۰ص، عربی.
 - 4- تحریرالمراه فی عصرالرساله، عبدالحلیم محمد ابوشقه، چاپ اول: دارالقلم، کویت، ۱۴۱۰ق - ۱۹۹۰م، ج ۲ و ۳، ۴۶۱+۲۲۳ص، عربی.
 - 5- الحریم السیاسی النبی والنساء، فاطمه المونیسی، ترجمه عبدالهادی عباس، چاپ دوم: دارالحصاد، ۱۹۹۳م، ۲۸۰ص عربی.
 - 6- الحقوق السیاسیه للمراه فی الاسلام، عبدالحمید الشورابی، منشالمعارف، اسکندریه، ۱۹۸۷م، ۲۷۸ص، عربی.
 - 7- الحقوق السیاسیه للمراه فی الاسلام والفکر والتشریع المعاصر، محمدانس قاسم جعفر، دارالنهضه العربیه، قاهره، ۱۹۸۷، ۱۶۰ص، عربی.
 - 8- دراسات فی ولایه الفقیه، حسینعلی منتظری، چاپ اول: المرکز العالمی للدراسات الاسلامیه، قم، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۳۳۴ - ۳۶۱، عربی.
 - 9- رساله بدیعه فی تفسیر آیه الرجال قوامون علی النساء، سید محمد حسین حسینی تهرانی، منشورات الحکمه، تهران، ۱۵۱ص، عربی.
- چاپ دیگری از کتاب با این مشخصه ها وجود دارد:
- قضا و حکومه وجهادالمراه، دارالمحجه البیضاء، بیروت، ۱۹۹۳، ۱۶۷ص، عربی.
- این کتاب به فارسی هم برگردانده شده است.
- 10- زن بر سریر قدرت، محمود طلوعی، چاپ دوم: انتشارات اسپرک، ۱۳۷۰، ۳۹۷ص، فارسی.
 - 11- زن و انتخابات، گروهی از نویسندگان، کتاب فروشی طباطبایی، قم، ۱۳۳۹، ۱۴۵ص، فارسی.
 - 12- زن و پیامآوری، مرتضی فهیم کرمانی، چاپ اول: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۱، ۲۴۳ص، فارسی.
 - 13- زنان مقتدر و نامآور جهان، مری ال دیویس، ترجمه بهروز محمودی بختیاری، چاپ اول: نشر آثار، ۱۳۷۵، ۸۵، فارسی.
 - 14- السلطانات المنسیات، فاطمه المونیسی، ترجمه: جمیل معلی و عبدالهادی عباس، چاپ اول: دارالحصاد، دمشق، ۱۹۹۴، ۳۱۸ص.

عربی.

- 15- عایشه والسیاسه، سعید الافغانی، چاپ اول: مطبعه لجنه التالیف والترجمه والنشر، القاہرہ، ۱۹۴۷م، عربی.
- 16- قضیہ المراه المصریہ السیاسیہ والجنسیہ، نوال السعداوی، چاپ اول: دارالثقافہ، قاہرہ، ۱۹۷۷م، ص ۵۱.
- 17- کتاب الحضارہ الاسلامیہ، احمد الکبیس، موسسہ آل البیت، عمان، ۱۴۰۷ ق ۱۱۹۸۶، ج ۲، ص ۱۱-۶۶، عربی.
- 18- المراه بین واقعہا و حقہا فی الاجتماع السیاسی الاسلامی، سید محمد حسین فضل اللہ، چاپ اول: دارالثقلین، بیروت، ۱۴۱۵ ق - ۱۹۹۵ م، ص ۱۰۸، عربی.
- 19- المراه فی السیاسہ والاجتماع، ہاشم المدنی، دارالانصاف، بیروت، ۱۹۵۰م، ص ۱۱۲، عربی.
- 20- المراه والحقوق السیاسیہ فی الاسلام، مجید محمود ابو حجیر، چاپ اول: مکتبہ الرشید، الریاض، ۱۴۱۷ق، ص ۵۸۲، عربی.
- 21- المراه والسیاسہ فی صدرالاسلام، احمد الکبیس، چاپ اول: مکتبہ المکتبہ، ابوظبی، ۱۹۸۰م، عربی.
- 22- المراه والعمل السیاسی رویہ اسلامیہ، ہبہ رووف عزت، چاپ اول: المعهد العالمی للفکر الاسلامی، امریکا، ۱۴۱۶ق - ۱۹۹۵م، ص ۳۱۱، عربی.
- 23- نفوذالنساء فی الدول الاسلامیہ فی العراق وفی مصر، وفاء محمد علی، دارالفکر العربی، قاہرہ، ۱۹۸۶م، ص ۱۳۷، عربی.
ب - مقالہ ہا
- 24- حق انتخاب زنان، شمس الدین امیر علانی، مجموعہء حقوقی، سال ہفتم، ش ۲، ص ۴۹-۵۴، فارسی.
- 25- حق رای زنان ۱۳۴۱-۱۳۵۸، مراد ثقفی، گفتگو، ش ۹، ص ۵۳-۶۳، فارسی.
- 26- حقوق سیاسی زن در ایران از بہمن ۵۷ تا امروز، مہرانیگز کار، زنان، ش ۲۰، ص ۱۸-۲۵، فارسی.
- 27- الحقوق الساسیہ للمراه فی الاسلام، عبدالحمید الانصاری، حولیہ کلیہ الشریعہ والدراسات الاسلامیہ، ش ۲، ۱۹۸۲م، ص ۲۹۳-۳۴۷، عربی.
- 28- حکم الشریعہ الاسلامیہ فی اشتراک المراه فی الانتخاب للبرلمان، لجنہ الفتوی بالجامع الازہر، مجلہ رسالہ الازہر، سال چہارم، ش ۳، ۱۳۷۱ ق، ص ۳۱۴-۳۲۳، عربی.
- 29- حکم الشریعہ الاسلامیہ فی اشتراک المراه فی انتخاب للبرهان، مجلہ رسالہ الاسلام، سال چہارم، ش ۳، ۱۳۷۶ق، ص ۳۱۴، عربی.
- 30- زن و انتخابات در ایران، فاطمہ سیام، آیندہ، سال سوم، ش ۱۰، ص ۵۱۶-۵۱۹، فارسی.
- 31- زن و جنبش انتخابات، مہرانیگز کار، آدینہ، سال اول، ش ۱۰۵.
- 32- زن و زمامداری، منیر گرجی، بازنویسی زہرا امی، فرزانه، سال اول، ش ۱، ص ۹-۳۲، فارسی.
- 33- زن و سیاست، شہید مرتضی مطہری، پیام زن، سال اول، ۱۳۷۱، ش ۲، ص ۱۱ ش ۳، ص ۱۰ ش ۴، ص ۱۳ ش ۵، ص ۱۹ ش ۶، ص ۶.
- 34- زن بر مسند حکومت، جواد محدثی، پیام زن، سال اول، ش ۱۰، ص ۲۲-۲۳.
- 35- نقش مشارکت سیاسی در تواناسازی زنان، نسرین مصفا، سیاست خارجی، سال ہشتم، ش ۲، بہار ۱۳۷۳، ص ۳۷۱-۳۸۸، فارسی.
- 36- شرعیہ قیادہ المراه للحکم فی الدول الاسلامیہ، محمد رفیع عثمانی، مجلہ البحت الاسلامی، مجلہء سی و چہارم، ش ۲، ۱۴۰۹ ق، عربی.

- 37- ليس للمراه شرعا ان تمارس السياسه, مجله الازهر, مجلهء بيست و پنجم, جزء ٤, ١٣٧٣ق, عربى.
- 38- المراه فى المجتمع الاسلامى: حق المراه فى الولايات المتحده وفى الانتخابات, مجله العربى, ش ١٤٤, ١٩٧٠م, ص ٣٤, عربى.
- 39- المراه المصرىه الرشيدىه وحق الانتخاب, ابوالوفالمرغى, مجله الازهر, مجلهء بيست وهفتم, جزء ١٠, ١٣٧٥ق, عربى.
- 40- المراه والامامه, نادره شنن, مجله المسلمون, ش ٢, ١٣٨٤ق, ص ١٣٤-١٤٣, عربى. ٤١- المراه و مناصب الدوله فى الاسلام, ابوالاعلى المودودى, مجلهء ترجمان القرآن, ٣٧٢ق, ص ٨٤ - ٨٥, عربى.
- 42- الموقف من مشاركه المراه فى الانتخاب والتوشيح وتولى المناصب العامه, مجله النور, سال چهارم, ش ٤٠, عربى.
- 43- الوعى السياسى عندالمراه فى الاسلام, احمد عبيدالكبيسى, مجله آفاق ثقافيه, ١٩٧٧-١٩٧٨, ص ٥٧-٧٧, عربى.
- 44- ولايه المراه, فكرى ياسين, مجله الازهر, مجلهء بيست ١ يكم, جزء ٨, ١٣٦٩ق, عربى.
- 45- هل للمراه حقوق سياسيه, محمد صابر عاشور, مجلهء الازهر, مجلهء بيست و هفتم, جزء ٢, ١٣٧٥ق, عربى.

پى نوشت ها:

1. ر.ك: الخلاف, ج ٣, ص ٣١١ الشرايع, ج ٤, ص ٦٧ جواهرالكلام, ج ٤, ص ١٢ و....
2. ر.ك: التنقيح فى شرح العروه الوثقى, ج, ص ٢٢٤-٢٢٥ مستمسك العروه الوثقى, ج, ص ٤٣.
3. ر.ك: المغنى, ج ١, ص ٣٨٠ الفقه الاسلامى ادله, ج ٦, ص ٧٦٥.
4. ر.ك: المحلى, ج ٩, ص ٣٥٩ الفقه على المذاهب الاربعه, ج ٥, ص ٤١٦ الفقه الاسلامى و ادله, ج ٦, ص ٦٩٣ و....
5. ر.ك: رساله بديعه فى تفسير آيه الرجال قومون على النساء, زن و انتخابات, در اسات فى ولايه الفقيه, ج, ص ٣٣٥-٣٦١ اهليه المراه لتولى السلطه, ص ٥٩-١٤٧ تحريرالمراه فى عصرالرساله, ج ٣.
6. انوار ملكوت, ج ١, ص ١٧٨, (مشهد, انتشارات علامه طباطبائى).
7. منصوره اتحاديه, زن در جامعه قاجار, مجلهء كلک, ش ٥٥-٥٦, ص ٤٥.
8. هل للمراه حقوق سياسيه, مجله الازهر, مجلد ٢٧, ش ٢, ص ١٣٧٥ق, محمد صابر عاشور.
9. نساء (٤) آيه ٣٤.
10. الميزان, ج ٤, ص ٣٤٣ دراسات فى ولايه الفقيه, ج, ص ٣٤٨.
11. زخرف (١٤٣) آيه ١٨.
12. دراسات فى ولايه الفقيه, ج, ص ٢٥٢.
13. احزاب (٣٣) آيه ٣٣.
14. اهليه المراه لتولى السلطه, ص ٧٩.
15. دراسات فى ولايه الفقيه, ج, ص ٣٥٣.
16. صحيح البخارى, ج ٣, ص ٩٠ سنن النبى, ج ٨, ص ٢٢٧ سنن الترمذى, ج ٣, ص ٣٦٠, ح ٢٣٦٥ مسند احمد, ج ٥, ص ٣٨ النهايه, ج ٤, ص ١٣٥ كنزالعمال, ج ٦, ص ٤٠, ح ١٤٧٦٣ تحف العقول, ص ٣٥.
17. الخصال, ج ٢, ص ٥٨٥, ح ١٢ من لايحضره الفقيه, ج ٤, ص ٣٦٣, ح ٨٢١ وسائل الشيعه, ج ٢٠, ص ٢١٢ (آل البيت).
18. نهج البلاغه, حكمت ١٠٢.
19. تحف العقول, ص ٣٦ سنن الترمذى, ج ٣, ص ٣٦١.
20. الكافى, ج ٥, ص ٥١٧, ح ٨ وسائل الشيعه, ج ٢٠, ص ١٨٢ (آل البيت).

21. نهج البلاغه, نامه ٣١.
22. الكافي, ج ٥, ص ٣٩ نهج البلاغه, نامه ١٤.
23. نهج البلاغه, خطبه ٨٠ سنن ابن ماجه, ج ٢, ص ١٣٢٦, ح ٤٠٠٣.
24. الكافي, ج ٥, ص ٥١٨, ح ١٠.
25. همان, ص ٥١٧, ح ٤ وسائل الشيعة, ج ٢٠, ص ١٨١ (آل البيت).
26. الكافي, ج ٥, ص ٥١٨, ح ١٩ من لا يحضره الفقيه, ج ٣, ص ٢٩٩, ح ١٤٢٤.
27. دراسات في ولايه الفقيه, ج, ص ٣٣٩ - ٣٤٠ اهليه المراه لتولى السلطه, ص ١٢١.
28. مجلهء پيام زن, ش ٤, ص ١٥-١٦ مجله الازهر, مجلد ٢٧, جزء ٢, مقالهء هل للمراه حقوق سياسيه.
29. اهليه المراه لتولى السلطه, ص ١٤٣.
30. التنقيح في شرح العروه الوثقى, ج, ص ٢٢٦.
31. اهليه المراه لتولى السلطه, ص ١٣٨.
32. همان, ص ١٣١.
33. همان, ص ١٣٨-١٣٩.
34. دراسات في ولايه الفقيه, ج ١, ص ٣٦١.
35. ر.ك: المراه والعمل السياسى رويه اسلاميه, ص ١١٦-١٤٩ المراه بين واقعها وحقها فى الاجتماع السياسى الاسلامى اهليه المراه لتولى السلطه مجلهء پيام زن, ش ٤, ص ١٢-١٤.
36. اهليه المراه لتولى السلطه, ص ٦٣-٧٦ مجلهء پيام زن, ش ٤, ص ١٤-١٥.
37. اين روايت در برخى كتاب هاى حديثى شيعهء آمده است: تحف العقول, ص ٣٥.
38. مجلهء پيام زن, سال اول, ش ٦, ص ١٧.
39. همان, ش ٥, ص ٢٤.
40. مجلهء البحث الاسلامى, ج ٣٤, ش ٣, مقالهء شرعيه قياده المراه للحكيم فى الدول الاسلاميه.
41. ر.ك: اهليه المراه لتولى السلطه, ص ٨٣-٨٣.
42. محمد ابراهيم باستانى پاريزى, جامع المقدمات, ج ٢, ص ٩١٦.
43. همان, ص ٩١١.
44. همان, ص ٩١٦.
45. ابن اثير, الكامل فى التاريخ, ج ٢, ص ٢٠٥.
46. اهليه المراه لتولى السلطه, ص ٩٦-٩٨ محمد تقى جعفرى, ترجمه و تفسير نهج البلاغه, ج ١, ص ٣٠٢.
47. آيه الله جوادى آملى, زن در آينهء جلال و جمال, ص ٣٤٢.
48. محمد تقى جعفرى, ترجمه و تفسير نهج البلاغه, ج ١, ص ٢٩١-٢٩٩.
49. زن در نهج البلاغه, ص ١١١-١٣٦.
50. اهليه المراه لتولى السلطه, ص ١٢١-١٢٣ دراسات في ولايه الفقيه, ج, ص ٣٣٩-٣٤١.
51. مجلهء حوزة, ش ٤, ص ١٧-١٨.
52. تحرير المراه فى عصر الرساله, ج ٣, ص ١٣ به بعد; اهليه المراه لتولى السلطه, ص ١٣٨-١٣٩.

- 53 . مجله البحث الاسلامى, مجلد ٣٤, ش ٣, مقالهء شرعيه قياده المرآه للحكم فى الدول الاسلاميه مجلهء فرزانه, ش ١, ص ٩
مجلهء پيام زن, ش ٣, ص ١٤ المرآه والعمل السياسى رويه اسلاميه, ص ١٢٠ .
- 54 . مجلهء پيام زن, ش ٣, ص ١٢-١٣ .
- 55 . ممتحنه (٦٠) آيهء ١٢ .
- 56 . ر.ك: محمد على قطب, بيعه النساء للنبي طبقات ابن سعد, ج ٨, ص ٥ و ص ٢٢٢ .
- 57 . مجلهء پيام زن, ش ٣, ص ١٣-١٤ .
- 58 . طبقات ابن سعد, ج ٨, ص ٢٧٦-٣١٣ تاريخ سياسى اسلام, ص ١٤٣ الميزان, ج ١١, ص ٢٤٦ ميزان الحكمه, ج ١, ص ٥١١-٥١٢
سفينه البحار, ج ١, ص ١١٨ .
- 59 . ممتحنه (٦٠) آيهء ١٠ .
- 60 . المرآه والعمل السياسى رويه اسلاميه, ص ١٤٩-١٦٣ .
- 61 . مجلهء پيام زن, ش ٣, ص ١٥ .
- 62 . زن و پيام آورى, ص ٢٠٥-٢٤٣ .
- 63 . باستانى پاريزى, همان, ج ٢, ص ٩٦٠-٩٦١ و ص ٩٧٢ و ص ٩٩٣ .
- 64 . مجلهء النور, ش ٤٠, مقالهء المرآه المسلمه فى المجتمع المسلم, سال ١٤١٥ ق .
- 65 . مجلهء النور, ش ٤٠ .
- 66 . قانون اساسى جمهورى اسلامى ايران, اصل ١١٥ .
- 67 . مجلهء زنان, ش ٣٥, ص ٣ و ١٠ .
- 68 . اهليه المرآه لتولى السلطه, ج ٢, ص ٩ .
- 69 . تحرير المرآه فى عصر الرساله, ج ٢, ص ٧٩-١٠٣ .
- 70 . در اين فهرست واره از اين منابع استفاده برده ام: مصادر النظام الاسلامى, عبدالجبار الرفاعى, ج ٦, ص ٢٥٢-٢٥٣ كتابشناسى
فقه و زمان, محمد نورى, ص ٢٣٤-٢٦٩ المرآه بيلوگرافيا, فائق فضولى, ص ٥٤ - ٦٠ .